





تکافل در چهارچوب الگوی «هبه»

مدرس:
سید علی حسینی



بیان مسأله و ضرورت انجام کارگاه

- تکافل در واقع بر اساس فقه اسلامی تأسیس شده است.
- تکافل در قالب عقود مختلفی محقق می شود.
- یکی از این عقود، «هبه» است.
- درباره الگوی «هبه» در «تکافل» نه تنها مباحث عمیق و دقیقی انجام نشده، بلکه آن چه انجام شده است خالی از اشکال و اجمال نیست. از این رو طرح مباحث عمیق، دقیق و جامع در این باره ضرورت دارد.

سوابق مطالعاتی و پژوهشی مربوطه

- در مباحث مختلفی که در کتب فقهاء عظام اعمّ از رساله ها و برخی از نوشته های اجتهادی استدلالی درباره «هبه» انجام شده است می توان به نوشته های شیخ حسین حلّی، خوئی و گروهی از معاصرین اشاره کرد. نیز به برخی از مقالات که به لحاظ علمی شایسته ذکر نیست.
- به عنوان نمونه می توان به «مع مؤتمرات المجمع الفقه الاسلامی» که گفتگوی علماء مختلف مذاهب اسلامی درباره بیمه اسلامی است که در شهر جدّه انجام گرفته، اشاره کرد.

تعریف «هبه»

- عقد هبه عبارت است از: «تملیک عینی به دیگری به‌طور رایگان.»
هبه به فارسی به معنای بخشش و در اصطلاح عبارت است از تملیک عینی به کسی بدون دریافت چیزی در مقابل آن به گونه‌ای که منجز و بدون قصد قربت باشد. یعنی قصد قربت در آن شرط نیست.
- به آن «نحله» و «عطیه» نیز می‌گویند.
- صاحب جواهر در تعریف آن می‌نویسد: «هی العقد المقتضی تملیک العین من غیر عوض تملیکاً منجزاً مجرداً عن القربۃ أو الأثر الحاصل منه و لو بالمعاطاة أو فعل الواهب.»



شرائط هبه

- هبه یکی از عقود اسلامی است و مانند دیگر عقود باید شرایط عمومی عقود را داشته باشد. مثلاً عقد هبه از کسی صحیح است که بالغ، کامل و عاقل و مجاز باشد در اموالش تصرف کند.
- شرط خاص دیگری نیز دارد. در هبه باید موهوب [مال هبه شده] قبض و اقباض شود. پس صحت در عقد هبه علاوه بر ایجاب و قبول، منوط به قبض و اقباض نیز هست.



واژگان مشابه

- همان طور که اشاره شد، گاهی از «هبه» به نحله و عطیه یاد می شود، ولی باید دانست که این دو واژه اعم از «هبه» است. چون بر هرگونه بخشش تبرعی صدق می کند. مثلاً به وقف و صدقه و امثال آن نحله و عطیه گفته می شود.
- اما هبه اعم از «صدقه» و «هدیه» است. زیرا هدیه هرچند بخشیدن مال است لکن در آن نقل مال به کسی که مال به او بخشیده شد لحاظ گردیده است، لذا نسبت به اموال غیر منقول اطلاق نمی شود و نیز تکریم کسی که مال به او عطاء شده در هدیه لحاظ می گردد، علاوه بر این که هدیه در امور معنوی نیز کاربرد دارد مثل هدیه کردن نماز مستحبی.

ارکان هبه

- عقد
- متعاقدان [دو طرف عقد]:
 - واهب، شروط آن:
 - ملکیت، بلوغ، عقل، قصد، اختیار، محجور نبودن
 - موهوب له [متهب] شروط آن:
 - بلوغ، عقل، قصد، اختیار.
 - موهوب، شروط آن:
 - هر عینی مملوکی که تملیک آن با یکی از عقود به دیگران صحیح باشد. درباره «هبه منافع» اختلاف نظر است.
- محقق کرکی و علامه حلی در تحریر الاحکام و کاشف الغطاء در تحریر المجله «قبض» را نیز از ارکان هبه شمرده‌اند.



حکم هبه

- حکم تکلیفی: هبه به خویشاوندان، به ویژه پدر و فرزند هرچند نیازمند نباشند مستحب است.
- حکم وضعی: همان طور که خواهد آمد هبه در مواردی موجب ملکیت متّهب خواهد بود و در مواردی نتیجه‌اش اباحه تصرف در مال موهوب است.



معاطات در هبه

- همان طور که اشاره شد، عقد از ارکان هبه است حتی برخی فوری بودن «قبول» را پس از «ایجاب» در عقد هبه شرط دانسته اند. [مسالك، ج ۶، ص ۱۰]
- اگر به طور معاطاتی انجام شود، هبه محقق می شود. در اینجا گروهی از فقهاء قائل به حصول ملکیت [مبسوط و تحریر و جواهر] با معاطات شده اند و گروهی قائل به اباحه.

- در کتاب جواهر الکلام چنین نوشته شده است:
- «قلت: قد عرفت القول بمشروعیه المعاطاة فی الهبة و غيرها من العقود إلّا ما خرج فضلا عن الهدیة و أنّها تفید مفاد العقد فی الملك، لإندراجها فی الإسم و إن لم تكن عقداً إلّا أنّهم اعتبروا فیها جميع ما يعتبر فی العقد سوى اللفظ...»
- ... نعم بناء على التوسع بالنسبة إلى ذلك فی المعاطاة فیتجه كونها حینئذٍ منها. «



هبه از عقود جایزه

- هبه از عقود جایز است. بدین معنا که واهب تا زمانی که مال موهوب باقی باشد می‌تواند آن را از موهوب له پس بگیرد مگر در موارد خاصی.

مواردی که هبه لازم می شود.

- هبه به خویشان:
- هبه به همسر:
- تلف مال موهوب:
- تصرف در مال موهوب: مشهور فقهاء معتقد اند که تصرف غیر اتلافی در مال موهوب سبب لزوم هبه و عدم جواز رجوع و اهب در آن می شود البته برخی با این نظر مخالف اند.



مواردی که هبه لازم می شود

- هبه معوضه: اگر هبه معوضه باشد، رجوع واهب جایز نخواهد بود و هبه لازم است. هبه معوضه عبارت است از آن که در عقد هبه معوض بودن شرط شده باشد یا آن که عقد مطلق باشد ولیکن موهوب له پس از عقد عوض آن را به واهب بذل کند. گرچه برخی شرط دانسته اند که واهب آن را قبول کند. و بذل به عنوان عوض از موهوب داده شده باشد.
- دادن هبه به قصد قربت.
- شرط لزوم در عقد لازم.



الگوی هبه در تکافل

- الگوی هبه را در تکافل بدین سان توضیح داده اند که تکافل گذار مالی را به صورت نقدی و یا قسطی به موسسه تکافل هبه می کند و در متن عقد شرط که طبق قوانین موسسه تکافل یا تکافل نامه در صورت تحقق موضوع تکافل از قبیل: تصادف آتش سوزی، مرگ و امثال ذلک مبلغ معینی را به تکافل گذار و امثال او پرداخت کن و این از نوع هبه معوضه است.
- و این الگو چند تبیین دارد....

تبیین شیخ حسین حلی

- مرحوم حلی مینویسد:
- «فیقول الطالب التأمین: وهبتک کذا مقداراً من المال شهرياً علی أن تتحمل کذا مقداراً من المال خسارت لمدت عشر سنوات - مثلاً - لو حدث حادث بمالی ، او نفسی ، و یأتی دور الشركه لتقبل بهذه الهبه و تسجل علی نفسها ما اشترطه الواهب من تحمل الخساره المذكوره ، فتكون الهبه من طالب التأمین إيجاباً منه ، و موافقه الشركه تقريراً علی نفسها بقول هذه الهبه المشروطه»



تحلیل عبارت شیخ حسین

- از تحلیل عبارت یاد شده مطالب زیر بدست می آید:
- ۱- تکافل میتواند از مصادیق هبه معوضه باشد
- ۲- این هبه مانند بقیه ی مصادیق ایجاب و قبول دارد
- ۳- تکافل گذار موجب و موسسه تکافل قابل است
- ۴- طبق ظاهر این عبارت «محل تأمل است» این الگوی تکافل به موارد خسارت و طرف مال و امثال آتش سوزی و غیره که شامل موارد بسیار زیادی از بیمه نمی شود



تبیین آیت اله خوی

ایشان مینویسد:

«يجوز تنزيل عقد التأمين - بشتى أنواعه - منزله الهبه المعوضه ، فإن المؤمن له يهب ، مبلغاً معيناً من المال فى الكل قسط ال المؤمن و يشترط عليه ضمن العقد أنه على تقدير حدوث حادثه معينه نص عليها فى الاتفاقية أن يقوم بتدارك الخساره الناجمه له ، و يجب على المؤمن الوفاء بهذا الشرط»





نگاهی به دیدگاه آیت اله خویی

نکته، این تحلیل با توجه به مسائل قبلی و بعدی این عبارت است و از این عبارت ایشان مطالب زیر بدست می آید:

۱- الگوی هبه، الگوئی است کاملاً شرعی

۲- این الگو جامع است و شامل همه ی بیمه از جمله خانواده و غیر آن می شود

۳- از نظر ما دو اشکالی که بر این الگو کرده اند وارد نیست





با سپاسی از شما